

# کتاب، زندگی من است

## گفت و گو با نفیسه معتکف مترجم پرکار ایرانی



مشاهده کنید. با وی گفت و گویی داشتیم، که می‌خوانید:

**خانم معتکف ضمن معرفی خودتان برای خوانندگان ما از سابقه کاری خود بگویید و این که از چه زمانی مشغول به کار ترجمه شدید؟**

متولد شیراز هستم. دوره متوسطه را در شیراز به پایان رساندم. هجده ساله بودم که به آمریکا سفر کردم. در رشته مهندسی صنایع تحصیلات خود را به پایان رساندم. البته از نه سالگی یادگیری زبان را شروع کردم. اولین کار ترجمه را در دوازده سالگی انجام دادم که یکی از کتاب‌های قصه به زبان انگلیسی بود که برایم جذبه خاصی داشت در عالم کودکی آن را ترجمه کردم و به مادرم دادم تا آن را برای چاپ به کتابفروشی بدهد. چرا کتابفروشی؟ چون در شیراز کتابفروشی بود که کلا کتاب‌های انگلیسی می‌فروخت و من که سرشار از شوق و شوق ترجمه آن کتاب بودم، خیال می‌کردم آن کتابفروشی می‌تواند کتابم را چاپ کند و بعد که با جواب منفی مادرم روبه‌رو شدم: کار تو خیلی خنده‌دار است، آخه بچه کتابفروشی که کتاب چاپ نمی‌کند و از این جور حرف‌ها. من واقعا دماغ شدم و در آن موقع بود با خود عهد کردم حتی اگر یک روز هم به عمرم مانده باشد مترجم شوم، آن هم مترجمی معروف و پر کار. و در همان حال و هوای کودکی مجسم می‌کردم کلی کتاب ترجمه کردم. البته زمان اقامتم در آمریکا، کتاب و مقالاتی هم برای بنیاد علوی در نیویورک ترجمه کردم. پس از بازگشت به ایران کار ترجمه من اول به صورت ترجمه مقالات در زمینه‌های مختلف بود و پس از آن ترجمه اولین کتاب‌هایم به نام‌های «زندگانی ادیسون» و «هیچ چیز ابدی نیست»، بود که در سال ۱۳۷۴ چاپ شدند. تا سال ۱۳۷۷ جسته و گریخته ترجمه می‌کردم ولی کار ترجمه را به صورت جدی و حرفه‌ای از سال ۱۳۷۷ به بعد شروع کردم.

چرا در زمینه مهندسی صنایع مشغول به کار

نشدید؟

زمانی که به ایران آمدم در یک شرکت خصوصی شروع به فعالیت کردم، اما متأسفانه به دلیل جو حاکم، کارفرمایان به تعهدات خود عمل نمی‌کردند و به دلیل مشکلات جور واجور دیگر از ادامه این کار منصرف شدم و تصمیم گرفتم به کار تدریس زبان و ترجمه بپردازم.

**ترجمه کتاب‌های شما در زمینه‌های متنوع است چرا؟**

دوست ندارم خود را در زمینه خاصی از ترجمه محدود کنم. به هر حال با کسب تجربه سالیان سال، ترجمه در هر زمینه‌ای برایم لذت‌بخش است.

**در یک سال چند کتاب ترجمه می‌کنید؟**

بین ۱۰ تا ۱۲ کتاب. بستگی به حجم کتاب، محتوا و وقت خودم دارد.

**در انتخاب کتاب برای ترجمه چه معیارهایی را مدنظر قرار می‌دهید؟**

سعی می‌کنم در زمینه‌هایی دنبال کتاب بگردم تا خواننده با خواندن آن بتواند معلوماتی کسب کند. چیز جدید بیاموزد تا در زندگی‌اش به کار ببرد. حتی در انتخاب کتاب‌های رمان هم بسیار دقیق هستم. شاید رمان از یک زاویه جنبه تفریح و سرگرمی برای مطالعه داشته باشد ولی ممکن است درس‌هایی را در زندگی به انسان یاد بدهد. باید فکر کرد نویسنده با این کتاب می‌خواسته چه پیامی بدهد و چگونه می‌توانیم از این پیام به نحو عالی در جنبه‌های مختلف زندگی خود مثل روابط خانوادگی، اجتماعی و ... استفاده کنیم.

**توصیه شما به خوانندگان کتاب چیست؟**

در موقع خواندن کتاب یک خودکار دم‌دستان باشد و زیر جملاتی که به نظرشان جالب و آموزنده است خط بکشند. پس از خواندن کتاب همین جملات را با ذکر نام کتاب و صفحه در دفتری که مخصوص کتابخوانی است یادداشت کنند. هر از گاهی هم به جای مراجعه به کل کتاب فقط به آن

نفیسه معتکف یکی از پرکارترین مترجمان ایران به شمار می‌رود که با وجود تجربه کاری حدوداً یک دهه موفق به ترجمه بیش از یک صد کتاب در زمینه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، تربیتی، اجتماعی، رمان، سیاسی و ... شده است که بسیاری از آن‌ها به دلیل استقبال مردم تجدید چاپ شده‌اند. او تقریباً هر ماه یک کتاب ترجمه کرده و روانه بازار نشر می‌کند. کتاب‌هایی که نام او را به عنوان مترجم همراه دارد، در مقایسه با عناوین مشابه در بازار ایران بیشتر مورد توجه مردم است چرا که ترجمه روان و امانتداری‌اش نسبت به متن اصلی باعث می‌شود تا خوانندگان کتاب‌هایش به راحتی با متن و مضمون کتابی که در دست دارند ارتباط برقرار کرده و از مطالعه آن لذت ببرند. او هم چنین در زمینه نقاشی از استعداد والایی برخوردار است. می‌توانید آثار او را در کنار کتاب‌های ترجمه شده‌اش در وب سایت شخصی‌اش ([www.nmotakef.com](http://www.nmotakef.com))

● هر وقت روزگار  
تو را به زمین  
می‌اندازد با  
اراده‌ای قوی‌تر از  
زمین بلند شو و  
کارت را دنبال کن.



غروب پاییز و در بیت شعر عاشقانش بجویید.

علی را در، تبسم گل صدای صبح لحن مهربانی و در  
کوچه باغ‌های معطر "روستای عشق" بجویید.

علی را در، طعم گس آشنایی عطر ترد دوست داشتن  
بجویید.

علی بشارت بهار است ترنم باران خیمه خوبی‌ها.

اگر علی نبوده، باران خیس نبود گل عطر نداشت مهتاب  
بی‌رنگ بود و خورشید بی‌نور و قناری خیس سکوت.

اگر علی نبود عشق وهم بوی بود شادی شیون می‌کرد  
و هستی خاکستری بود و بی‌معنا.

بس علی را در فطرت سبز و شوقناک هستی بجویید.

در، پرواز کبوتر گمان گل زلال آب و در شعله شمع

علی را در عرق سبز نشسته بر پیشانی گل سرخ بجویید

در لبان نمناک ماهی نگاه مهریان آهو

علی تهاجم عشق است آوار شادی یورش لبخند

علی، پدر است برای یتیم نگاه من و تو! چک چک نور  
است بر ظلماتی شب‌های من و تو!

قطره قطره شوق است در تلخ کویر تنهایی من و تو!

علی، مزامیر عشق است نجوای شمع حدیث حضور

علی، یک آشنای ساده و صمیمی است از قبیله قربت در

نزدیک‌ترین فاصله از من و تو!

علی بوی فاصله نیست عطر حضور است اما، برای درک

حضورش، چشم‌ها را باید شست! جور دیگر باید دید!

اگر تنهایی اگر بی‌دینی! اگر بی‌کسی! اگر شوقی به ماندن

نداری و در تف تلخ تکثیر تنهایی خویش سرگردانی لحظه‌هایی

درنگ کن! و در خلوت خاموشانه خویش به سروش آسمانی

گوش فرا ده که می‌سراید.

به جز از علی نباشد به جهان گره گشایی

بین رمان‌ها "پیامی در بطری"، خودشناسی: روش  
برخورد با افراد تندخو، عملی: پیام‌هایی نهفته در  
آب و نیروی حقیقی آب. البته باید بگوییم که

کتاب‌های چاپ شده در مورد آب ۵ سری هستند.  
فعلا سه تایی آن‌ها چاپ و بقیه در زیر چاپ است  
و قدرت و عظمت لایتناهی خداوند را که آب را به

ما ارزانی داده، نشان می‌دهد. در این کتاب‌های  
پرمحتوا ما درک می‌کنیم آب هم حافظه دارد. کلام،  
فکر و احساس ما بر مولکول‌های آب تاثیر می‌گذارد.

می‌تواند سلامت، شادی را به زندگی ما و کل دنیا  
به ارمغان بیاورد. در ضمن عکس‌های گرفته شده  
از بلورهای آب اعجاز‌برانگیز هستند.

**ترجمه آثار و اندیشه‌های دیگران تا چه حد در  
ذهنیت عقاید، شخصیت و زندگی شما تاثیر گذاشته  
است؟**

بسیار زیاد. به این نتیجه رسیدم که برای این که  
انسانی متعالی باشم باید نوشته‌ها، گفتارها و  
اندیشه‌های غنی دیگران را سرلوحه و چراغ هدایت

خود قرار دهم. همیشه در زندگی‌ام تحت تاثیر  
شخصیت والا و وصف‌ناشدنی حضرت علی (ع)  
اسطوره اسطوره‌ها قرار گرفتم. تک تک کلمات آن

حضرت هر کدام کتاب و رازی سر به مهر است.  
دل‌م می‌خواهد در اینجا نوشته‌ای را در وصف  
آن حضرت از کتاب علی (ع) به اهتمام آقای

محمود نامنی بیاورم که چنین است:  
علی لبخند است که بر لبان عاشق سینه چاکش می‌نشیند  
علی اشک است اشک شادی سرریز از چشمان کودکی  
یتیم که از شوق مهربانی من و تو می‌گرید!

علی شادی است که در لبس قرصی نان بر سر سفره ایثار  
محمل می‌گزیند.  
علی شبنم است که در پگاه باکره فروردین بر رخسار گل  
سرخ می‌نشیند.

علی نور است ماهتاب مهربانی که در ظلماتی شب‌های  
پاراتش می‌تراود.  
علی شمیم شوقناک گل است در ذهن خنا و در باور من  
و تو.

علی ترنم طربناک موسیقی است لحظه‌ای که نسیم  
ارکستر برگ‌ها را به نواختن می‌آورد.  
علی شوق است وقتی که ما نیمی از خویش را تسلیم  
نیازمندی می‌کنیم.

علی درد نیست درس است!  
علی رنج نیست تحمل جمیل است!  
علی راح روح است عطر عبور عشق  
نما! علی خود عشق است!

علی راه در پیرهن رنگین پروانه بوی نان تازه باران بهاری

دفتر رجوع کنند و تازه می‌توانند آموخته‌های خود  
را برای دیگران نقل کنند تا آن‌ها هم چیزی جدید  
بیاموزند. این کاری است که خودم انجام می‌دهم.

**یکی از مهم‌ترین معیارها برای موفقیت یک  
کتاب ایجاد رابطه بین نویسنده و خواننده است.  
شما برای نیل به این هدف چه راهکاری را انتخاب  
کرده‌اید؟**

زمانی که ترجمه را شروع می‌کنم آن قدر در  
داخل ماجرا غرق می‌شوم که گویی چیزی از کتاب  
و شخصیت‌های داستان می‌شوم. همه چیز در ذهنم

مجسم و حالت واقعی پیدا می‌کند و فکر می‌کنم  
این را به خواننده انتقال می‌دهم که باعث می‌شود  
خواننده خیال کند این کتاب ترجمه نیست و تالیف

است.  
**کتاب، برای نفیسه معتکف چه مفهومی دارد؟**

زندگی من، دوست صمیمی‌ام، قدرت بخش  
ذهن و روحم، شکل دهنده شخصیتم.  
**معمولا انتخاب کتاب به عهده شماست یا**

**پیشنهاد ناشران؟ اگر شما؟ محتوا مهم است یا  
نویسنده؟**

تا به حال فقط دو مورد بوده که به پیشنهاد  
ناشر بوده، تمام کتاب‌ها انتخاب خودم است و در  
سفرهای خارج از کشور، اوقات زیادی را در

کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها سپری می‌کنم تا  
کتاب‌هایی پرمحتوا برای ترجمه انتخاب کنم. به  
هر حال محتوا مهم‌تر است. چه بسا نویسندگانی  
هستند که خیلی پرمحتوا می‌نویسند ولی مثل بقیه  
شانس معروف شدن را نداشتند.

**تا چه اندازه به اصل مطلب وفادارید؟**  
بیش از اندازه. نهایت سعی خود را می‌کنم که

صداقت در ترجمه را رعایت کنم، مگر این که مخالف  
قوانین کشورم باشد. راستش ترجمه کار سختی  
است زیرا مترجم موظف است حال و هوایی را که

منظور نویسنده است به خواننده برساند. مترجم باید  
با مهارت و تجربه و تسلط بر اصطلاحات دو فرهنگ  
و زبان مختلف چند جنبه را مثل حفظ امانت، رساندن  
مفهوم اصلی و روان بودن ترجمه را مد نظر قرار

دهد.  
**زیباترین کتابی که تاکنون ترجمه کردید از دید  
خودتان؟**

تمام کتاب‌هایی را که تاکنون ترجمه کرده‌ام  
دوست داشتم که برای ترجمه انتخابشان کردم. از



طلب مدد از او کن چو رسد غم و بلایی

**فکر می کنید تاثیر ترجمه هایتان بر فرهنگ**

**ترجمه کشور چه اندازه بوده است؟**

از ایمیل هایی که دریافت می کنم و یا گفت و گو با افرادی که کتاب هایم را خوانده اند چنین برداشت می کنم که با التفات خداوند توانسته ام با کتاب هایم تحولی در خوانندگان ایجاد کنم و با پشتکار و اراده آهنین خودشان سبک زندگی شان را تغییر دهند و به مسیری الهی گام بردارند. همین که با ترجمه هایم دلی را شاد، چهره ای را خندان و ذهنی را متحول کنم و خواننده بینش بیشتری را در امور معنوی پیدا کند، مایه سرافرازی و افتخار من است و ذوق و شوق من در ترجمه بیشتر می شود.

**ویژگی های یک مترجم خوب چیست؟**

تسلط کامل بر زبان اصلی، وارد بودن به اصطلاحات و واژه های روزمره، حفظ امانت، آوردن متن ترجمه به فضای قابل ملموس و احساسی برای خوانندگان، دوری از ترجمه غلط، وجدان کاری شدید، که متأسفانه در بیشتر کتاب های ترجمه رعایت نمی شود و به این خاطر است که فرهنگ ترجمه ما سیر قهقرایی و بسیار بدی را طی می کند که لازم است به آن توجه شود. در این مورد وظیفه ناشر است که هر کاری را از هر کسی تحویل نگیرد مگر از روش ترجمه مطمئن شود.

**آیا تا به حال با جمله بسیار زیبایی مواجه شدید که نخواهید ترجمه اش کنید؟ یعنی همانند یک شی ارزشمند و گرانبها، فقط برای خود و در پیش خود نگاه دارید؟**

نمی دانم چرا این سوال را می کنید. قدر مسلم هر مترجمی علاوه بر این که وظیفه دارد آن چه را منظور نویسنده است ترجمه کند و به خواننده برساند ترجیح می دهد با نوشتن جملات زیبا، خودش هم بیشتر در دل خواننده کتاب هایش جا بگیرد. بگذریم با جملات بی شماری مواجه شدم که می شود از تمام آن ها یک کتاب نوشت. ولی نه، صرفاً دوست ندارم چیزی را برای خودم نگاه دارم وقتی بدانم فرد دیگری هم می تواند با استفاده از آن در خود تحول فکری و روحی ایجاد کند. ولی جملات زیر هستند که همیشه ذهن من به دنبال آن ها است و خیلی تحت تاثیر آن ها هستم مثلاً:

The power behind you is much greater than the task ahead of you

قدرت پشت سر تو عظیم تر از وظیفه پیش روی تو است.

سخنان مولا علی (ع): برترین عبادت ها، غالب آمدن بر عادت است.

سه چیز است که در هر کس باشد خیر دنیا و آخرت روزی او می شود: خوشنودی به قضا و قدر الهی، شکیبایی بر بلا و گرفتاری، سپاسگزاری در فراخی و فراوانی

جلوتر از من قدم بردار شاید دنبال نیایم، پشت سرم راه نرو، شاید من راه را بلد نباشم. در کنارم گام بردار و دوستم باش.

هر وقت روزگار تو را به زمین می اندازد با اراده ای قوی تر از زمین بلند شو و کارت را دنبال کن.

**تا به حال بیش از یک صد کتاب ترجمه کرده اید. در یک بازنگری آیا از ترجمه اولین کتاب هایتان پشیمان نیستید؟**

به هیچ وجه، چون از اول می دانستم چه کار می کنم.

**پیش آمده که به ترجمه کسی غبطه بخورید و آرزو کنید ای کاش جای او بودید؟**

غبطه خوردن نه تنها برایم مفهومی ندارد، بلکه از خواندن ترجمه های دیگر به شرطی که مترجم مسلطی باشد لذت هم می برم. به هر حال هر انسانی جایگاه خاص خود و شخصیت وجودی خود را دارد. هر کس در زمینه مخصوص خودش تبحر دارد و هر کدامان در این دنیا رسالتی خاص داریم که باید به نحو احسن و به دور از تمام خصلت های ناروا انجام دهیم. تا هم خدمتی به خلق حساب آید و هم این که در پیشگاه الهی شرمنده نشویم. من هم از همین موقعیت خود راضی هستم و خدا را شاکرم و در حد توانم کار می کنم. به هر حال هر

آدمی منحصر به فرد است و هر کس جایگاه خاص خود را دارد و در حد توان خودش بهترین است پس غبطه برای چی؟

**ترجمه رمان را بیشتر دوست دارید یا کتاب های روان شناسی و اجتماعی را؟**

ترجمه هر نوع کتابی برایم لذت بخش است و چنان غرق در ترجمه می شوم که گذشت زمان را حس نمی کنم و گاهی اوقات چهار - پنج ساعت را پشت سر هم به ترجمه سپری می کنم ولی از نظرم نیم ساعت گذشته است. به هر حال تمام نوشته ها، کلمات، جملات برای من محترم، گرانقدر و مقدس هستند چون از ذهنی الهی تراوش کرده که خود اعجاز خلقت است.

**غیر از کار ترجمه آیا فعالیت دیگری هم دارید؟**

بله، تدریس زبان در کانون زبان ایران، تدریس خصوصی و تازگی هم مجوز انتشاراتی گرفتم به نام انتشارات هور که انشاء الله از این به بعد کتاب های ترجمه شده ام از این انتشاراتی چاپ خواهد شد. در اوقات فراغت هم نقاشی می کنم.

**مجله موفقیت را چگونه می بینید؟**

موفق و روز به روز هم موفق تر. این مجله به نحو خوب و جالبی رسالت خود را که ایجاد تحول معنوی و فکری در مردم به سوی زندگی پربارتر و موفق است انجام داده و می دهد و امیدوارم هر روز پرمحتواتر و سازنده تر باشد. باید در این جا متذکر شوم خوانندگان این مجله هم افرادی خاص هستند که بعد معنوی بالایی دارند و دلشان می خواهد آن را بیشتر پرورش دهند و مطمئن هستم با خواندن این مجله و کتاب های گوناگون می توانند سطح فرهنگ خود را بالا ببرند و جامعه ای که در شان ایرانی قدرتمند است بسازند. به امید روزهای پربارتر و سرشار از موفقیت و به قول آقای حلت سبز باشید و حالتان عالی.